

رمزگشایی از عناوین پاپ‌ها؛ لئوی چهاردهم



سید عمادالدین طباطبایی
پژوهشگر مطالعات ادیان

کاردینالی که توسط مجمع کاردینال‌ها به عنوان اسقف اعظم ژم -پاپ- انتخاب می‌شود، نامی برای خویش بر می‌گزیند. به عنوان مثال، در طول تاریخ زعامت کلیسای کاتولیک (از میان ۲۶۷ پاپ)، بیشترین استقبال از نام «ژان» شده است؛ ۲۶ پاپ نام «ژان» (به زبان‌های دیگر؛ یوهانس یا یوحنا) را برای خویش برگزیده‌اند. دلیل این انتخاب، محبوبیت نام یوحنا به‌عنوان حواری محبوب عیسی (ع) و نگارنده انجیل چهارم است. همچنین نام‌های «گرگور» و «بندیکت» هر یک شانزده‌بار، «لئو» چهارده‌بار و «پیوس» دوازده‌بار مورد استفاده قرار گرفته‌اند. اما انتخاب این عنوان چه معنایی دارد و بر چه اساسی صورت می‌گیرد؟ این نام به عنوان یک نماد، نوعی تعیین موضع ضمنی برای مؤمنان کلیسای کاتولیک است. در واقع از درجه این نام به عنوان نشانه، می‌توان رویکرد هر یک از ایشان را پیش‌بینی کرد. سؤال این است که برگزیدن نام لئوی چهاردهم از طرف کاردینال رابرت پریوست به عنوان پاپ جدید چه پیامی برای کلیسای کاتولیک و جهان بیرون از مسیحیت کاتولیک دارد؟ این یادداشت ابتدا به مرور سه پاپ پیشین پرداخته و سپس رویکرد احتمالی پاپ جدید را بررسی می‌کند.

▼ پاپ ژان پل دوم: اصلاح گر متعصب

اعلام عنوان «ژان دوم» (دوران زعامت ۱۹۷۸ - ۲۰۰۵)، نشان از عزم این کاردینال لهستانی کارول ژوزف ویٹیپال را بر ادامه راه پاپ پیش از خود -ژان پل اول- داشت. پاپ ژان پل اول که دوره زعامتش تنها ۳۳ روز به طول انجامید، نام خود را از ترکیب عناوین دو پاپ قبلی برگزیده بود: پاپ ژان بیست و سوم آغازکننده شورای واتیکان دوم، و پاپ پل ششم پایان‌دهنده آن شورا. شورای واتیکان دوم را باید پیروزی اصلاح‌طلبان در درون چارچوب سخت‌وسنت‌گرای کلیسای کاتولیک به‌شمار آورد و واقع‌پاپ ژان پل اول می‌خواست با برگزیدن چنین نامی نشان دهد که در اجرای مصوبات شورای واتیکان دوم عزمی راسخ دارد که البته ملک‌الموت مهلت نداد. انتخاب عنوان ژان پل دوم هم به همین سبب، گویای اراده جان‌شنین او بر ادامه همان راه بود. جالب اینکه تاریخ نشان داد پاپ ژان پل دوم در پیگیری تصدیقات شورای واتیکان دوم تاب‌داند. جراسخ است که حتی حاضر نشد نسبت به فرات‌های دیگر در درون کلیسای کاتولیک انعطاف به خرج دهد و مخالفان و منتقدین را از کلیسای کاتولیک طرد کرد. او اما در عین حال، به همان اندازه نسبت به توصیه‌ها شورا برای تقویت گفت‌وگو با سایر ادیان پیگیر و با دیگر باوران منقطع و اهل مصاحبت بود. گویی پاپ فقید -ژان دوم- ضمن برخورداری از نوعی نگاه عرفانی به حقیقت (خدا) و پذیرش تجلی‌های متکثر آن نزد گروه‌های مختلف انسان‌ها (بیروان ادیان مختلف)، در فهم کاتولیکی خود، از نظر کلامی نسبت به درون کلیسای کاتولیک، سخت و متعصب بود. با این همه پاپ ژان پل دوم را از این نظر که طرفدار و پیرو سرسخت شورای واتیکان دوم بود، باید اصلاح‌گرا دانست.

▼ پاپ بندیکت شانزدهم: ترمیم گر محافظه‌کار

اعلام عنوان «بندیکت شانزدهم» (دوران زعامت ۲۰۰۵ - ۲۰۱۳) برای کاردینال آلمانی یوزف راتسینگر نیز چند نکته را آشکار می‌کرد. نخست با توجه به عدد ۱۶ می‌شد فهمید که این پاپ، خود را ادامه‌دهنده راه طولانی پاپزده پاپ دیگر می‌داند. او با انتخاب این نام می‌خواست به بیرون کلیسای کاتولیک پیام دهد که از او انتظار نوگرایی نداشته باشند، چراکه او شانزدهمین نفر از سلسله‌ای است که عقبه‌اش به قرن پنجم میلادی می‌رسد و می‌خواهد به مرام پیشینان خویش پایبند بماند. در مرحله بعد، با توجه به تاریخ کلیسا و نگاهی به فهرست بندیکت‌های اول تا پاپزدهم، می‌توان دریافت که خطوط کلی کلامی/الهیاتی مشی پاپ جدید ناظر به نوعی ترمیم‌گرایی محافظه‌کارانه - و نه اصلاح‌گرایی یا نوگرایی - است، چنان‌که همه بندیکت‌ها چنین بودند. او که به نظر بسیاری دانشمندترین پاپ تاریخ کلیسای کاتولیک بوده است، در اظهارنظری صریح اعلام کرد که مصوبات شورای واتیکان دوم را نباید آموزه‌هایی نو تلقی کرد، بلکه آن تصمیمات فقط لباسی بر تن همان آموزه‌های قدیمی است که باید برانزده این زمانه باشد. البته این گونه موضع‌گیری از کسی که ۲۴ سال مسؤولیت «جماعت ایمان» در کلیسای کاتولیک را بر عهده داشته، عجیب نیست. در عین حال، این سنت‌گرایی آشکار او سبب شد تا مطروپین پاپ پیش از خود (ژان پل دوم) - را - که به‌خاطر پافشاری بر سنت و ایستادگی در مقابل مصوبات شسورای واتیکان، رانده شده بودند - فراخوانده و به مهر بنوازد.

▼ پاپ فرانسیس اول: اصلاح گر پر شور

کاردینال خورخه ماریو برگلیو (دوران زعامت ۲۰۱۳ - ۲۰۲۵) با برگزیدن نامی که در میان ۲۶۵ پاپ پیشین سابقه نداشت، از همان ابتدا نشان داد که از او مانند در چارچوب سنت‌های مرسوم واتیکان را انتظار نداشته باشند.

او با برگزیدن نام قدیس فرانسیس (فرانسسکو آسیسی) به اتهام جدی و قدیمی تجمل‌گرایی واتیکان واکنش نشان داد و بر بازگشت به ساده‌زیستی و خدمت به محرومان تأکید ورزید. مواضع و سیاست‌های او برای خیل مسیحیانی که در آمریکای جنوبی، آفریقا و آسیا با تنگدستی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و اشرافی‌گری حاکم بر دستگاه واتیکان را با ادعای ساده‌زیستی، نوع دوستی و کمک به فقرا سازگار نمی‌دانند، بسیار دلگرم‌کننده بود. در همان حال، بی‌پروایی او در بر هم زدن روال سنتی برخی مراسم و آداب کلیسا، و شتابی که در پیگیری اصلاحات اساسی اقتصادی و سیاسی داشت، موجب رنجش و خشم بسیاری از ذی‌نفعان وضعیت سنتی و باورمندان محافظه‌کار شد. نمونه‌ای از مواضع رفتاریهایی که از او چهره‌ای متمایز ساخت، عبارتند از: زیر و رو کردن بانک واتیکان و مبارزه با فساد مالی آن؛ موضع‌گیری‌های آشکار سیاسی نسبت به جنگ‌های گوشه و کنار جهان و مشخصاً انتقاد سخت از سیاست‌های اسرائیل در قبال فلسطینیان و جنگ غزه؛ سفر به کشورهای مسلمان و پیش‌بردن برنامه‌های مختلف گفت‌وگو با جهان اسلام مثل دیدار او با عالی‌رتبه‌ترین علمای مسلمان - آیت‌الله سیستانی - مرجع تقلید شیعیان و شیخ احمد الطیب اما اعظم الأزهر - در عراق و مصر؛ مواضع متقصدانه زیست‌محیطی به سرمایه‌داری صنعتی؛ اختصاص بیش از پیش نهادهای خدماتی و رفاهی کلیسای کاتولیک در سراسر جهان - اعم از مدارس و دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها و مؤسسات خیریه، و... - به مبارزه با فقر. این همه توانست چهره خدشده‌اش را به کلیسای کاتولیک را در افکار عمومی به‌صورت قابل توجهی بهبود بخشد.

▼ پاپ لئوی چهاردهم: تثبیت‌کننده

کاردینال روبرت پریوست که نام لئوی چهاردهم را برای خود برگزیده است، گرچه در طیف تحول‌خواهان قرار می‌گیرد، بر خلاف سلف خویش در روش محافظه‌کار است. این اسقف آمریکایی که البته بیشتر عمر کشیشی خود را در آمریکای جنوبی خدمت کرده است، در سال ۲۰۲۳ توسط پاپ فرانسیس به عنوان کاردینال منصوب شد و سمت‌های مشورتی و اجرایی مهمی را در دوره پاپ ماضی بر عهده داشت. در قیاس با مخالفان و منتقدین پاپ فرانسیس، پاپ جدید را باید در اندیشه و آرا به پاپ فقید نزدیک دانست، اما از نظر دور نداشت که او با برخی از مواضع تحول‌خواهانه پاپ فرانسیس نیز تماماً همراه نبوده است. انتخابی پاپی از طیف اصلاح‌گران البته دور از ذهن نبود، زیرا بیش از ۸۰ درصد اعضای کونکلاو یا شورایی اسقفی انتخاب پاپ جدید، در کلیسای کاتولیک اشاره به دوره‌های بحران و گذار دارد. دنیای امروز نیز با بحران‌های متعددی روبه‌روست: نابرابری‌های روزافزون اقتصادی، جنگ‌هایی بی‌اعتنا به دست‌آورد‌های اخلاقی و حقوقی پس از جنگ دوم جهانی، نقض مرکز و آشکار کرامت انسانی با رشد جریان‌های افراطی پوپولیست، ناسیونالیست و دیگر ستیزه‌سراسر دنیا، و سرانجام بحران‌های مهیب زیست‌محیطی. ایمان مسیحی نیز از این آشوب‌ها بر کنار نیست و لئوها با همه تفاوت‌های شدیدی که در سیاست‌های‌شان داشته‌اند، جملگی در این ویژگی مشترکند که در زمانه‌های سکان کلیسا را به دست گرفتند که جامعه مسیحی دچار آشوب و بحران بوده است. در یک سوی طیف لئوها می‌توان پاپ لئوی دهم (دوران زعامت ۱۵۱۳ - ۱۵۲۱) را مشاهده کرد که در بحران دگراندیشی در کلیسای کاتولیک به نبرد با آموزه‌های لوتر پرداخته و او را از کلیسا اخراج کرد و نقشی اساسی در ظهور پروتستانتیسم داشت. و در سوی دیگر طیفی می‌توان شاهد پاپ لئوی سیزدهم (دوران زعامت ۱۸۷۸ - ۱۹۰۳) بود که بر عدالت اجتماعی و حقوق کارگران پافشاری کرده و رویکرد روشن‌گرانه‌ای در قبال مواجهه با جهان مدرن داشت. در شناسایی پیام‌نامی که پاپ جدید برای خویش برمی‌گزیند - چنانچه ادامه زنجیره اسامی پاپ‌های پیشین باشد - عمدتاً به آخرین پاپ و تأثیرش در سیاست‌گذاری کلیسای نگرند، پس احتمالاً پیام‌گذاری پاپ جدید را با اجاع به پاپ لئوی سیزدهم تفسیر کرد. نکته بارز در کارنامه کاردینال پریوست تا به امروز، تأکید او بر نقش بااستواری اسقف‌ها در مقابل نقش‌های مدیریتی ایشان بوده است: «ما غالباً مشغول به تعلیم نظریات هستیم [...] ولی این خطر وجود دارد که مهم‌ترین وظیفه خویش را فراموش کنیم که همانا آموزش معنای آشنایی با عیسی مسیح است». از همین منظر است که اهتمام او بر عدالت اجتماعی را باید ادامه خط‌مشی پاپ فرانسیس دانست. سابقه حمایت او از مهاجرین و مخالفت‌هایش با سیاست‌های ضد مهاجرتی نیز مؤید همین رویکرد انسان‌گراست. به باور نگارنده، کسی که زعامت واتیکان را به دست گرفته، گرچه در اندیشه - مانند پاپ ماضی - سر‌آشتی با جهان جدید و مقتضیاتش دارد، در عمل محافظه‌کارتر از پاپ فقید خواهد بود. او هم‌زمان با دلجویی از محافظه‌کاران رنجیده خاطر از اصلاحات شتابان در کلیسای کاتولیک، دست‌آورد‌های اصلاح‌گراانه پاپ فرانسیس را نیز تثبیت خواهد نمود. پیش‌بینی نگارنده این است که با دوره‌ای از آرامش، پرهیز از موضع‌گیری‌های شدید و آشکار در واتیکان، تمرکز بر مناسک و عبادات و معنویات، و در عین حال تثبیت میراث پاپ فرانسیس در حوزه مسائل اجتماعی روبرو خواهیم بود.

بررسی سرنوشت لایحه دولت در مجلس:

مخالفت مجلس با تغییر ساعت رسمی

لایحه مهم در نهایت به این نتیجه رسید که تغییر ساعت را در دست بگیرد و درباره آن تعیین تکلیف کند تا شاید مجلس به خود بیاید و درباره این مشکل کشور تصمیم‌گیری کند.

▼ واکنش‌ها به تغییر ساعت ادارات

تغییر ساعت ادارات با واکنش‌هایی در فضای مجازی روبه‌رو شد. فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در صفحه ایکس خود نوشت: «از روز شنبه ۲۰ اردیبهشت ساعت کار ادارات و سازمان‌های دولتی از ۶ صبح الی ۱۳ خواهد بود.» سخنگوی دولت درباره لایحه دولت توضیحاتی داده و تأکید کرد: «در شرایط فعلی که ناترازی انرژی در ایران به مرحله بحرانی رسیده است، اهمیت تغییر ساعت رسمی کشور بیش از گذشته مشخص شده و این امر می‌تواند به عبور از این بحران کمک کند. در لایحه دولت، برخلاف رویه گذشته که تغییر ساعت رسمی کشور به صورت سالانه و الزام‌آور انجام می‌شد، در اختیار و انعطاف لازم برای تصمیم‌گیری متناسب با شرایط واقعی کشور، به دولت واگذار می‌شود. این تصمیم نه‌تنها گامی در راستای بهره‌وری انرژی است، بلکه جلوه‌ای از حکمرانی مقتدرانه و متناسب با واقعیت‌های متغیر است.»

او در بخش دیگری افزود: «دولت نیازمند ابزاری است تا بتواند همه این وجوه را به‌صورت پویا مدیریت کند. این لایحه دقیقاً با چنین رویکردی تدوین شده و بر اساس تجربیات، مطالعات فنی و نیازهای روز، چارچوبی جدید و کارآمد برای تعیین ساعات رسمی کشور ارائه می‌دهد. از این رو این لایحه را نه فقط به عنوان یک اصلاح قانونی، بلکه باید به عنوان گامی مؤثر در جهت حکمرانی منعطف، مسئولانه و علمی در حوزه انرژی و بهره‌وری ملی ارزیابی کرد.»

عبدالله رمضان‌زاده، سخنگوی دولت اصلاحات نیز در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «دولت ساعت کار اداره‌ها را ۶ تا ۱۳ اعلام کرده تا در مصرف برق صرفه‌جویی کند. از نایب‌های تصمیم‌ساز باید پرسید: کدام جامعه‌کننده ساعت ۶ به اداره دولتی مراجعه می‌کند؟ تکلیف فرزندان مدرسه‌ای چه می‌شود؟ عملاً کار زودتر از ۸ شروع نمی‌شود، ۲ ساعت هم که برق نیست، یعنی ۲ ساعت کار.»

▼ ساعت کاری در اختیار دولت است

محمد سراج، نماینده تهران و عضو کمیسیون اجتماعی مجلس درباره لایحه دولت به میهمان گفت: «مجلس با فوریت این لایحه دولت مخالفت کرده است. دولت این لایحه را با دو فوریت به مجلس ارائه کرد و یک فوریت آن هم رای نیاورد و به صورت عادی در حال بررسی است.» او با تأکید بر اینکه با اصل لایحه مخالفت نشده است، افزود: «علت اصلی این است که مجلس تقریباً دو بار مصوب کرده که ساعت رسمی ۶ ماه اول سال



روز پنجشنبه پاپ جدید با هویت آمریکایی انتخاب شد

دود سفید صلح

گروه خبر: حدود ساعت ۶ عصر روز پنجشنبه و پس از دومین رای‌گیری محرمانه کاردینال‌ها دود سفید از کلیسای سیستین برخواست که نشانه انتخاب پاپ جدید بود. کاردینال‌ها رابرت پرووست ۶۹ ساله را به عنوان دویست‌وشصت‌وهفتمین پاپ برگزیدند و او در نخستین سخنان خود از بالکن کلیسای جامع سنت پتر در واتیکان پیام صلح خود را به تمام ملت‌ها اعلام کرد. این اولین بار است که فردی از آمریکا به عنوان پاپ برگزیده می‌شود چراکه کاردینال‌ها معتقدند؛ ایالات متحده در زمینه سکولاریسم، قدرت ژئوپلیتیکی بسیار بالایی دارد؛ بنابراین انتخاب پاپ از این کشور به نوعی تابوشکنی محسوب می‌شود اما پرووست تابعیت پرو را دارد. او سال‌ها به عنوان مبلغ و سپس اسقف اعظم در پرو زندگی کرده است. پرووست پس از آنکه توسط کاردینال‌ها انتخاب شد نیز نام «پاپ لئو چهاردهم» را برای خود برگزید. بلافاصله صدای ناقوس‌های کلیسای جامع سن پتر بلند شد و بیش از ۱۰۰ هزار مسیحی حاضر در میدان سن پتر حاضر به شادمانی پرداختند. پاپ لئو چهاردهم در اولین سخنرانی خود برای این ۱۰۰ هزار نفر تنها یک بشارت داشت: «صلح بر شما باد.» پرووست سال ۱۹۵۵ در شیکاگو به دنیا آمد پدرش اکوادوری و مادرش فرانسوی بود. دوران نوجوانی را به عنوان خدمتگزار محراب در کلیسا گذراند و در سال ۱۹۸۲ به مقام کشیشی رسید. در این سال اتحادیه الهیاتی کاتولیک در شیکاگو به او مدرک فوق لیسانس الهیات اعطا کرد. آنطور که گفته می‌شود پاپ لئو چهاردهم به زبان‌های انگلیسی، اسپانیایی، ایتالیایی، فرانسوی و پرتغالی سخن می‌گوید. او همچنین می‌تواند لاتین و آلمانی را بخواند. پاپ لئو چهاردهم دو بار به عنوان رهبر کل فرقه مذهبی آگوستینی‌ها انتخاب شده بود به همین دلیل او در سخنرانی خود تأکید کرد: «من فرزند سنت آگوستین هستم؛ یک آگوستینی.» پاپ لئو چهاردهم در سخنرانی خود خواستار «ساختن پلی‌ها» از طریق «گفت‌وگو» شد و گفت: «هنوز صدای آرام اما استوار پاپ فرانسیس که به ما برکت داد، در گوش ما طنین انداز است.» و تأکید کرد: «باید بدون ترس، متحد، دست در دست خدا و یکدیگر به سوی آینده حرکت کنیم.» با این وجود او در زمینه آموزه‌های عقیدتی یک چهره محافظه‌کار محسوب می‌شود. یکی از موضوعاتی که او را محافظه‌کار تلقی می‌کنند، مخالفتش با کشتن شدن زنان و کسب جایگاه «شماس» در کلیسا است. زمانی که پرووست کاردینال بود، به سیاست‌های دولت ترامپ مبنی بر اخراج یکی از ساکنان آمریکا به السالوادور تأکید کرده بود: «جی‌دی ونس در اشتباه است؛ عیسی مسیح از مانی‌خواه که عشق‌مان به دیگران را در جعبندی کنیم.»